

تأثیر اخلاق حکمرانی علوی بر تمدن‌سازی اسلامی^۱

چکیده

تمدن‌سازی اسلامی، همواره به عنوان یک هدف بلندمدت در فکر اسلامی مطرح بوده است. در این راستا، اخلاق حکمرانی به عنوان یکی از ارکان بنیادین، نقش محوری در شکل‌گیری و استحکام تمدن اسلامی ایفا می‌کند. این مقاله به بررسی تأثیر اخلاق حکمرانی علوی با تمرکز بر نهج‌البلاغه و اندیشه‌های امام علی (ع) بر تمدن‌سازی اسلامی می‌پردازد و با رویکرد تحلیلی-توصیفی و بر اساس متون اصیل شیعه (نهج‌البلاغه، قرآن کریم، احادیث اهل بیت علیهم السلام)، به تحلیل این موضوع می‌پردازد که چگونه اخلاق حکمرانی امام علی (ع) مانند عدالت، شفافیت، مردم‌سالاری الهی، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری می‌تواند زمینه‌ساز تمدنی اصیل و پایدار در جهان اسلام باشد. در مقابل، دیدگاه‌های غربی درباره حکومت و تمدن (مانند ماکیاولیسم، لیبرالیسم سیاسی و کاپیتالیسم سیاسی) مورد نقد قرار گرفته و با اخلاق حکمرانی علوی مقایسه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تمدن اسلامی تنها در چارچوب اخلاق حکمرانی الهی و علوی قابل تحقق است و این الگو، نه تنها پاسخی به چالش‌های داخلی جوامع اسلامی است، بلکه می‌تواند الگویی جهانی برای حکومت‌های عادلانه باشد.

کلمات کلیدی: اخلاق حکمرانی، تمدن اسلامی، علوی، نهج‌البلاغه

^۱. سکینه حیدری، طلبه سطح ۳ رشته کلام امامت، کارشناسی ارش فقه و مبانی حقوق اسلامی

Sa.heydaric015@gmail.com

مقدمه

در عصر حاضر، جوامع اسلامی با چالش‌های گسترده‌ای در حوزه حکومت، مدیریت و تمدن‌سازی مواجه هستند. از یک سو، فروپاشی نظام‌های سیاسی در بسیاری از کشورهای اسلامی و از سوی دیگر، تضعیف ارزش‌های اخلاقی در حکومت‌ها، نشان‌دهنده یک بحران بنیادین در حوزه اخلاق حکمرانی است. در این میان، نگاهی به تجربه تاریخی و الهی اسلام، به ویژه به شخصیت و حکومت امام علی (ع)، می‌تواند راهگشایی برای ساختاردهی مجدد تمدن اسلامی باشد.

امام علی (ع)، نه تنها به عنوان یکی از ائمه معصومین شیعه، بلکه به عنوان نخستین الگوی حکومت اسلامی پس از پیامبر (ص)، تجربه‌ای منحصر به فرد در حکمرانی اخلاقی داشت. سخنان او در نهج‌البلاغه، به ویژه خطبه‌های سیاسی، اداری و اخلاقی، چارچوبی جامع و عمیق برای درک ماهیت حکومت اسلامی و نقش اخلاق در آن فراهم می‌کند. این مجموعه، امروزه به عنوان «قرآن دوم» برای اندیشمندان اسلامی شناخته می‌شود.

در این مقاله، سؤال اصلی این است: آیا اخلاق حکمرانی علوی می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای تمدن‌سازی اسلامی عمل کند؟ برای پاسخ به این سؤال، از تحلیل نهج‌البلاغه و دیدگاه اندیشمندان شیعه معاصر مانند امام خمینی، امام خامنه‌ای و آیت‌الله مصباح یزدی استفاده شده است. همچنین، با توجه به تأثیر گسترده تمدن غربی بر جوامع اسلامی، مقایسه‌ای انتقادی بین اخلاق حکمرانی علوی و مدل‌های سیاسی غربی صورت گرفته است.

همچنین برای درک عمق موضوع «تأثیر اخلاق حکمرانی علوی بر تمدن‌سازی اسلامی»، لازم است به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه هم در داخل کشور (پیشینه داخلی) و هم در فضای بین‌المللی (پیشینه خارجی) پرداخته شود. این مرور نشان می‌دهد که چگونه اندیشمندان اسلامی، به ویژه شیعه، به بررسی اخلاق سیاسی امام علی (ع) پرداخته‌اند و چه جایگاهی به نهج‌البلاغه به عنوان منشور اخلاق حکمرانی داده‌اند.

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در کتاب «اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی» به تحلیل مفهوم اخلاق در حکومت اسلامی پرداخته و نشان می‌دهد که بدون رعایت اصول اخلاقی مانند «عدالت،

امانتداری و تقوا، هیچ حکومتی نمیتواند به عنوان حکومت اسلامی شناخته شود. ایشان به طور گسترده به نهج البلاغه استناد میکند و آن را منشور اخلاق اداری و سیاست اسلام می نامند.

آیت الله جوادی آملی در کتاب «قرآن در نهج البلاغه» خطبه ها و نامه های امام علی (ع) را با قرآن تطبیق داده و نشان میدهد که اصول حکمرانی علوی، مستقیماً از آیات قرآنی درباره عدالت، شورا و امانت الهی الهام گرفته شده است.

در کتاب «امام خمینی و حکومت اسلامی» بر اساس نهج البلاغه و احادیث اهل بیت (ع)، حکومت اسلامی را ضرورتی شرعی میداند و تأکید میکند که حاکم باید، امانتدار، عادل و متقی باشد. در این کتاب، اولین پایه های نظری حکومت اسلامی را بر اخلاق حکمرانی علوی استوار می داند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه ای (مدظله العالی)، در بیانیه های ۲۰ و ۲۵ ساله انقلاب، به مفهوم تمدن اسلامی اشاره کرده و تأکید میکند که این تمدن تنها با استناد به ارزشهای اخلاقی و معنوی — همچون آنچه در نهج البلاغه وجود دارد — قابل تحقق است.

همچنین در سالهای اخیر، تلاشهایی برای تبیین اخلاق حکمرانی علوی به زبانی ساده و جذاب برای جوانان صورت گرفته است. کتاب «امام علی (ع) الگوی زندگی» تألیف حبیب الله احمدی پژوهشی است در زندگی

سیره امام علی (ع). این کتاب با بهره گیری از قرآن، احادیث، تفاسیر، شرحهای نهج البلاغه و کتابهای دست اول و غیر آن به نگارش در آمده و نویسنده، با تألیف آن، کوشیده است تا الگویی انسانی برای رفتار و زندگی اجتماعی و فردی هر انسان مؤمن معرفی کند و برای این امر، بر عصمت اهل بیت (ع) تأکید نموده اند.

۱. اخلاق حکمرانی در نهج البلاغه: بنیانهای نظری

۱-۱. نهج البلاغه

در حالی که از دیدگاه اسلام و نهج البلاغه سیاست از اخلاق بیرون نیست بلکه توأم و همراه با اخلاق است. رفتارهای سیاسی مانند سایر رفتارهای اختیاری انسان، به عنوان موضوع احکام

اخلاقی، مورد ارزش گذاری قرار می گیرند. هدف رفتارها و تصمیم های سیاسی، در حقیقت، در راستای هدف اخلاق بوده و چیزی خارج از آن نیست. معیارهای اخلاقی در همه جا و برای همه افراد، اعم از زمامداران و شهروندان عادی یکسان است. هر چیز که برای دولتمردان زشت و نکوهیده است برای افراد عادی و در زندگی عادی نیز زشت و ناپسند است. امام(ع) هم در کردار و هم در رفتار خود نشان داد که هرگز نباید اخلاق را فدای سیاست کرد و رفتارهای سیاسی تا آنجا ارزشمندند که در چهارچوبه اخلاق و ارزش ها باشند.

نهج البلاغه، مجموعه ای از خطبه ها، نامه ها و موعظه های امام علی (ع) است که به عنوان یکی از مهم ترین منابع اخلاق سیاسی اسلام شناخته می شود. در این اثر، امام علی (ع) نه تنها به اصول حکومت اشاره می کند، بلکه به مسئولیت اخلاقی حاکم در قبال خدا، مردم و تاریخ تأکید فراوان دارد.

«إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ؛ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَتَ فِي رَعِيَّةٍ وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَيْقَةٍ؛ وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ؛ وَلَعَلِّي أَلَّا أَكُونَ شَرًّا وَلَاتِكَ لَكَ؛ وَالسَّلَامُ.»

نامه ای از آن حضرت (ع) به اشعث بن قیس، عامل خود در آذربایجان نوشته است:

«حوزه فرمانروایت طعمه تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو، و از تو خواسته اند که فرمانبردار کسی باشی که فراتر از توست. تو را نرسد که خود هر چه خواهی رعیت را فرمان دهی. یا خود را درگیر کاری بزرگ کنی، مگر آنکه، دستوری به تو رسیده باشد. در دستان تو مالی است از اموال خداوند، عزّ و جلّ، و تو خزانه دار هستی تا آن را به من تسلیم کنی. امید است که من برای تو بدترین والیان نباشم. و السلام.» (نهج البلاغه، نامه ۵)

این جمله، مفهوم مردم سالاری الهی را تبیین می کند: حاکم نه مالک مردم است، بلکه خادم آنها و تحت مسئولیت خداوند. و این نکته ر تمامی فرمایشات امام علی علیه السلام ر خصوص حکمرانی مور توجه و تأکید بوده است.

۲-۱. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی «تمدنی دینی است که همه ی مؤلفه های آن بر محور اسلام میگردد» (جان احمدی، ۵۱، ۱۳۸۶)

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی میتوان دو بحث را از یکدیگر تفکیک نمود «، لذا بحث اول آن، مقدمات تشکیل تمدن میباشد که از سه عنصر اساسی تشکیل شده است و آن عبارت است از: جامعه که بستر و ظرف تشکیل تمدن میباشد و بدون آن هیچ مظلوفی - از جمله تمدن - تحقق پیدا نمیکند. در مرحله ی بعد، میتوان استقرار حکومت در جامعه را نام برد به تعبیر دیگر، جامعه باید بستر ساز حکومت باشد و اگر حکومت شکل نگیرد، نمیتوان از جامعه به تنهایی و پراکندگی توقع ایجاد تمدن داشت و در مرحله ی سوم، تحقق تمدن مستلزم رهبری الهی میباشد. بدون رهبری الهی نمیتوان به تمدن نوین اسلامی دست پیدا نمود و مشاهده میشود که بسیاری از مشکلاتی که الان گریبانگیر جوامع بشری شده است، به خاطر رهبران ناصالح و ناشایست میباشد. (صدری فر، ۱۴۰۰ ص ۵۴)

۲. اخلاق حکمرانی علوی در دیدگاه اندیشمندان شیعه

۲-۱. امام خمینی (ره):

امام، در موارد فراوانی در پاسخ به شبهه آفرینی کوتاه نظران نسبت به تشکیل حکومت یا ورود به مسایل سیاسی، به سیره حضرت علی(ع) استناد می نمود و این مورد می فرمایند:

«خاصیتی که در علی بن ابی طالب(ع) بود که یک رجل سیاسی بود، از خطش معلوم است که مرد سیاست بوده و از کاغذی که به مالک اشتر نوشته و دستورهایی که داده، همه اش دستورهای سیاسی است.» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۸)

از دید حضرت امام، شخصیت حضرت علی(ع) است که به چیزی به نام رهبری و حکومت، معنی و قیمت می بخشد و آن را ارزشمند می سازد، و گر نه اصل حکومت و زمامداری به خودی خود چیز تحفه ای نیست، مگر آنکه توسط افراد لایق و ارزشی، وسیله ای برای احقاق حق و ترویج خوبیها گردد. امیرالمؤمنین(ع) در سخنی که به ابن عباس فرمود، حکومت را بی ارزش تر از پاره کفشی می داند، مگر آنکه وسیله ای برای اقامه حق و باطل زدایی باشد:

اما آیا راهی برای خروج از این بحران وجود دارد؟

آیا می‌توان امیدی برای آینده‌ای عادلانه، پایدار و اخلاقی داشت؟

پاسخ این سؤال، در گذشته الهی و الگویی است که خود امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به ما نشان داده است: بازگشت به الگوی علوی، الگویی مبتنی بر عدالت، امانت‌داری، تقوا و خدمت به مردم. اما جامعه امروز برای رسیدن به یک تمدن غنی و مطابق با الگوی اسلامی با چالش‌هایی روبروست که عبارتند از:

۵-۱. فتنه و فساد اجتماعی: امام علی (ع) به صراحت از فتنه‌های آینده هشدار می‌دهد:

«بر آنان فتنه ای برانگیزم که عاقل و بردبار در آن حیران ماند.» (خطبه شماره ۲۰۵)

این پیشگویی دقیق، امروز واقعیت پیدا کرده است. جوامع اسلامی درگیر فتنه‌هایی هستند که:

- دین را به ابزار سیاست تبدیل کرده‌اند،

- برادران را به دشمن یکدیگر ساخته‌اند،

- و به نام اسلام، خون بی‌گناهان را ریخته‌اند.

همان‌طور که امام (ع) در خطبه ۲۰۵ می‌فرماید:

«مساجدشان از جهت بنا و ساختمان آباد، اما از جهت هدایت خراب... فتنه و فساد از آنان برمیخیزد و خطاها در آنها لانه می‌کند.»

این توصیف، عین واقعیت بسیاری از مساجد و حوزه‌های فکری امروز است: ساختمان‌های بزرگ، اما فاقد روح دینی و هدایت معنوی.

۵-۲. فساد اداری و بی‌امانت‌داری:

فساد اداری عبارت است از «استفاده ی غیر قانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی.» (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۵).

هنگامی که امام علی(ع) به حکومت رسید با انبوهی از مفاسد و انحرافات در نظام حکومتی مواجه بود، ایشان مبارزه با این مفاسد را از همان روزهای اول حکومتش آغاز کرد، امام علی(ع) در دومین روز از حکومتش با صراحت به بخشی از سیاست اصلاحی خویش اشاره کرده و می‌فرماید: «بدانید هر زمینی را که عثمان بخشید و هر ثروتی را که از اموال خداوندی هدیه کرد، به بیت‌المال بازمی‌گردد؛ چراکه حقوق گذشته را چیزی از میان نبرد و اگر این ثروت‌ها را بیابیم در حالی که مهریه زنان شده یا در شهرها توزیع شده باشد، به جایگاهش بازمی‌گردانیم چراکه عدالت را گشایشی است و هر آن کس که عدالت برایش تنگ باشد، ستم بر او تنگ‌تر خواهد بود»

یکی از علل اقبال مردم به امیر مؤمنان علیه السلام، به ستوه آمدن مردم از فساد موجود در هیأت حاکمه و انحرافات موجود و روی آوردن عده‌ای به بازگشت به سنت‌های جاهلی بود. انحرافات و فساد به موجود در حکومت و زمام داران و کارگزاران حکومتی در زمان خلیفه سوم به اوج خود رسید. عثمان در دوره خلافت خود، خلاف‌ها و اشتباهات بسیاری را مرتکب شد. او حتی ظواهر را هم رعایت نمی‌کرد. خود را صاحب بیت‌المال و اختیار مردم می‌پنداشت. این نگرش وی، مفاسد اداری و اقتصادی فراوانی را در پی داشت.

لذا امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«أما أما الله لو وجدته قد تزوج به النساء وملك به الإماء لرددته فإن في العدل سعة و من ضاق عليه العدل فاجور عليه أضيق»؛

به خدا سوگند اگر به اموالی که به ناحق هدیه داده شده است دست‌یابم، آنها را به بیت‌المال برمی‌گردانم، حتی اگر مهر زنان شده باشد، یا به وسیله آنها کنیزانی خریداری شده باشد! «(نهج البلاغه، خطبه ۱۵)

دلیلش هم آن است که در اجرای عدالت، برای همگان گشایش خواهد بود، و هر فردی که تحمل عدالت را ندارد، به یقین تحمل ستم را هم نخواهد داشت.

این جمله، عین وضعیت امروز را نشان می‌دهد: دین نه برای عبادت، بلکه برای دستیابی به قدرت و ثروت استفاده می‌شود. قاضیان، وزیران و مسئولان، به جای امانت‌داری، به هوای نفس عمل می‌کنند.

۵-۳. بی‌عدالتی اقتصادی:

عدالت اقتصادی مصداقی از عدالت در معنای وسیع آن است. معرفی معنای وسیع عدالت راهی است برای یافتن حدود و ثغور مفهوم عدالت اقتصادی و به تعبیر دیگر، عدالت اقتصادی بُعدی از ابعاد گوناگون عدالت، از قبیل عدالت سیاسی، قضایی و فرهنگی است. امروزه برای عدالت اقتصادی گاهی از واژه عدالت اجتماعی نیز استفاده می‌شود. (دیرباز، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

اما یکی از بزرگ‌ترین ناامنی‌های اجتماعی، تفاوت فاحش طبقاتی است. در حالی که بسیاری از مردم در فقر زندگی می‌کنند، برخی از مسئولان و ثروتمندان به راحتی زندگی می‌کنند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرَ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ.

روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو، چون به سودت شد شادی مکن، و چون به زیانت گردید غم مخور.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۶)

یعنی این دنیا موقت است. امروز ممکن است کسی ثروتمند باشد، فردا فقیر خواهد شد. بنابراین، ثروت نباید انباشته شود، بلکه باید به فقرا و نیازمندان داده شود.

و در جایی می‌فرمایند:

«وَأَسْرِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَأْسُ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَذْلِكَ عَلَيْهِمْ.

و به یک چشم بنگر به همگان، خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند.» (نهج البلاغه، نامه ۲۷)

نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد که اخلاق حکمرانی علوی، با تأکید بر عدالت، امانت، شفافیت و مسئولیت پذیری، نه تنها یک الگوی ایده آل، بلکه یک ضرورت برای تمدن سازی اسلامی است. در مقابل، مدل های حکمرانی غربی که بر قدرت و منفعت مبتنی هستند، نتوانسته اند تمدنی پایدار و عادلانه ایجاد کنند. تمدن اسلامی، برخلاف تمدن های مادی، بر پایه معنویت و اخلاق شکل می گیرد و این اخلاق، باید از بالاترین سطح حکومت آغاز شود. تجربه امام علی (ع) در مدیریت کوفه، با وجود کوتاهی دوره، نشان می دهد که حکومت اخلاقی می تواند زمینه ساز ثبات، عدالت و اعتماد عمومی باشد. اندیشمندان شیعه معاصر نیز این دیدگاه را تأیید و تقویت کرده اند. بنابراین، تمدن اسلامی تنها زمانی قابل تحقق است که حکومت ها به امانت داری، عدالت و خدمت به مردم بازگردند و از این منظر، اخلاق حکمرانی علوی، نه یک گذشته تاریخی، بلکه یک راهبرد آینده نگر است.

منابع

* قرآن کریم

۱. امام خمینی، (۱۳۳۳) صحیفه نور، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲. احمدی، حبیب الله، (۱۳۷۳)، امام علی علیه السلام والگوی زندگی انتشارات فاطیما
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۳۱)، قرآن در نهج البلاغه، کانون اندیشه جوان
۴. حبیبی، نادر، (۱۳۷۲)، فساد اداری، عوامل موثر و روشهای مبارزه، انتشارات وثقی
- ۵.
۶. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۰۲۱)، اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقالات

۱. خردمندی، علی، نظر آیت الله مصباح یزدی در باب حکومت و جایگاه مردم، ۱۴۰۴/۶/۱۱
۲. صدری، فرنی، الله، محمد مولوی، (۱۰۲۲)، مقدمات و الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی، مجله پژوهشی مطالعات الگوی اسلامی ایرانی، شماره ۱۳
۳. محدثی، جواد، (۱۳۳۱)، حکومت علوی از نگاه امام خمینی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۳

سایت

<https://ijtihadnet.ir>

<https://farsi.khamenei.ir>

سایت حوزه نت، ۱۴۰۴/۶/۱۱

نرم افزار جامع الاحادیث